

پنجره‌ای به گذشته

میر محمد صادق
میر محمد صادق

خاطرات علاءالدین میر محمد صادق

بهراد مهرجو

متن غفاریان



کارآفرین

تهران، ۱۳۸۱

سرشناسه:

مهرجو، بهراد، ۱۳۶۳ - ۲.

عنوان و پدیدآور:

پنجره‌ای به گذشته: خاطرات علام‌الدین میر محمدصادقی، بهراد مهرجو،
متین غفاریان.

مشخصات نشر:

تهران، کارآفرین، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری:

۲۴ + ۲۸۸ ص.

شابک:

ISBN 978-600-91948-5-8

موضوع:

میر محمدصادقی، علام‌الدین، ۱۳۱۰ -

موضوع:

ایران - پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۲۰ - خاطرات.

موضوع:

ایران - انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ - - خاطرات.

شناسه‌ی افزوده:

غفاریان، متین.

رده‌بندی کنگره:

۱۳۹۱ م ۹۳۶ م / ۱۶۷۰ DSR

رده‌بندی دیویی:

۹۵۵/۰۸۴۰۹۲

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۳۰۳۵۳۰۱

پنجره‌ای به گذشته
خاطرات علاءالدین میرمحمدصادقی

مصاحبه کنندگان: بهرام مهرجو، متین غفاریان
چاپ اول، زمستان ۱۳۹۱، تیراژ ۸۰۰ نسخه
حروفچینی: سپیده، لیتوگرافی: نوید
چاپ متن و صحافی: سپیدار، چاپ جلد: صنوبر
عکس روی جلد: عباس کوثری
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۹۴۸-۵-۸
کلیه حقوق متعلق به نشر کارآفرین است.



کارآفرین

مرکز بخش: ۶۶۹۶۸۹۴۷

۷		مقدمه
۹		پیش گفتار
۱۵		فصل اول
		اصفهان، دهه‌ی بیست
		مصایب یک خانواده‌ی مذهبی در عصر شاه
۳۵		فصل دوم
		مهاجرت به تهران
		بازار در زمانه‌ی نهضت ملی شدن نفت
۶۱		فصل سوم
		روحانیون مبارز و بازار
		چه کسانی بازار را هدایت می کردند
۸۷		فصل چهارم
		تجارت سیمان
		بازرگانی که صنعتگر شد
۱۰۱		فصل پنجم
		استخاره بد آمد
		ترور منصور و سال های آوارگی

فصل هشتم ۱۱۹

تأسیس مدرسه‌ی رفاه

خرید ملک بانک ملی

فصل نهم ۱۴۷

روزهای اوج‌گیری قیام

اعتصابات، کلید پیروزی

فصل دهم ۱۷۵

نهادهای بازار بعد از انقلاب

از بانک اسلامی تا سازمان اقتصاد اسلامی

فصل یازدهم ۲۰۱

دهی شصت

ایام انزوا و محاذله

فصل دهم ۲۲۷

اقتصاد و تعارضات

از صادرات سیمان تا نرخ ارز

فصل یازدهم ۲۳۷

دیدار با دولتمردان

بازگشت به فصل مذاکرات

نمایه ۲۷۵

اینک که ستمی از خاطرات این حقیر طی اوراق حاضر به نظر ارجمند خوانندگان گرامی می‌رسد، ضمن عذرخواهی پیشاپیش از تصدیع اوقات گرانبهای همه‌ی عزیزان، نکاتی را متذکر می‌شوم:

اولاً، با وجود بزرگانی که در بخش خصوصی و اتاق بازرگانی و نیز سایر نهادها حضور داشته و دارند، و چه بسا نسبت به وقایع و رخدادهایی که من به آن‌ها پرداخته‌ام، وقوف و اطلاع عمیق‌تر و دقیق‌تری داشته باشند، بنده هیچ‌گاه مایل به بیان خاطرات خود نبوده‌ام. گام گذاشتن در این وادی که منجر به آماده‌شدن و انتشار این مجموعه شده، ناشی از توصیه و اصرار برخی از دوستان و سروران می‌باشد، که بی‌توجهی به آن توصیه‌ها بر من معجز نبوده است. البته پشتکار، پیگیری و علاقه‌ی زاهدالوصف راویان محترم هم مانع نیمه‌کاره رهاشدن این اقدام در نتیجه‌ی گرفتاری‌ها و اشتغالات این جانب شده است، که در همین جا باید مراتب سپاس و تشکر خود را از آنان اعلام دارم.

ثانیاً، این مصاحبه‌ها، همان‌طور که در پیش‌گفتار راویان نیز مورد اشاره قرار گرفته است، طی یک برهه‌ی زمانی پنج ساله انجام شده، به‌طوری‌که گاه بین دو مصاحبه ماه‌ها فاصله می‌افتاده است. بدین ترتیب، تکرار احتمالی برخی از مطالب و یا احیاناً عدم رعایت دقیق ترتیب وقایع تاریخی در همه‌ی موارد ناشی از این امر بوده است. البته در بازنگری

نهایی این مجموعه سعی در رفع این مشکل و یا به حداقل رسانیدن آن شده است.

ثالثاً، با توجه به این که قدمت برخی از مطالب مطروحه به چند دهه‌ی قبل و گاه حتی به بیش از نیم قرن می‌رسد، احتمال دقیق نبودن بعضی از تاریخ‌ها و یا از قلم افتادن نام برخی از افراد می‌رود، که پیشاپیش مراتب اعتذار و شرمساری خود را از این بابت به همه‌ی آن عزیزان و نیز به خوانندگان ارجمند این مجموعه ابراز می‌دارم. تذکر این نقصان‌ها و کاستی‌ها از سوی خوانندگان، موجب تصحیح آن‌ها در چاپ‌های بعدی خواهد شد.

رابعاً، مطالب مطروحه صرفاً بررسی از تاریخ و پنجره‌ای به گذشته است. در طرح این مطالب بنابر اختصار و گزیده‌گویی بوده است و، بنابراین، ناگفته‌های بسیاری همچنان باقی می‌ماند که طرح آن‌ها مستلزم فرصت بیش‌تر این جانب و همت عالی دیگران خواهد بود:

گمان مبر که به پایان رسیده کار مغان

هزار باده‌ی ناخورده در رگ تاک است

تهران، زمستان ۱۳۹۱

علاءالدین میرمحمدصادقی

پیش‌گفتار

آنچه که می‌خوانید شرح بیش از چهل جلسه گفت‌وگو با علاءالدین میرمحمدصادقی طی زمانی در حدود پنج سال است. دیدارها با توالی زمانی اندکی صورت گرفت ولی زمان زیادی نیاز بود تا متن کتاب به همراه یادداشت‌های آن تهیه و تنظیم شوند. داستان زندگی علاءالدین میرمحمدصادقی شرحی مفصل است ولی تلاش شده تا از میان سیر حوادث قبل و بعد از انقلاب، آن دست انتخاب و به پرسش در مقابل علاءالدین میرمحمدصادقی گذارده شود که در میان اتفاقات اقتصادی و سیاسی شاخص تر بوده‌اند.

علاءالدین میرمحمدصادقی کیست؟

معرفی شخصیت علاءالدین میرمحمدصادقی، که سال‌هاست دوستانش او را به نام حاج آقا علاء می‌شناسند، با دشواری‌های بسیاری همراه است. او از اقتصاد تا سیاست و از مدرسه‌سازی تا راه‌اندازی صندوق‌های قرض الحسنه و مؤسسات خیریه را در پرونده دارد تا همزمان مرد بازار و سیاست و نیکوکار بزرگ لقب گرفته باشد.

علاءالدین میرمحمدصادقی یکی از چهره‌های مبارز و شاخص بازار تهران به شمار می‌آید که در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت‌های سیاسی بسیاری را صورت داده و از جمله چهره‌های سیاسی و

اقتصادی سرشناس و مورد اعتماد سال‌های پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نام گرفته است.

میر محمد صادقی را بسیاری از مبارزان بازاری به‌خوبی می‌شناختند. او سال‌ها در کنار چهره‌هایی مانند شهید مهدی عراقی، مرحوم سعید امانی، شهید صادق اسلامی، مرحوم حبیب‌الله شفیق، ابوالفضل توکلی بینا، محمد رضا اعتمادیان، مرحوم تقی سیدخاموشی، مرحوم محمود مانیان*، محمود میرفندرسکی، احمد احمد، حبیب‌الله عسکراولادی، ابوالفضل حاج حیدری و اسدالله بادامچیان حضور داشته است.

علاءالدین میر محمد صادقی در دسته‌ی بازاریانی قرار می‌گیرد که همراهی با شهید مطهری و شهید بهشتی را پیش گرفته بودند و بر اساس گفته‌های ایشان برای ادامه‌ی مبارزه علیه رژیم شاه روش‌های فرهنگی را برمی‌گزیدند. با این حال، او هیچ‌گاه همراهی با مردان مؤتلفه‌ی اسلامی را رها نکرد و در دوره‌های زمانی مختلف به یاری آنان آمد. او زمانی در حلقه‌ی بنیانگذاران مؤتلفه‌ی اسلامی و از اعضای شورای مرکزی این گروه سیاسی بوده است.

اما بی‌تردید شهرت میر محمد صادقی بیش از آن‌که به سیاست مربوط باشد به اقتصاد و امور خیریه‌گره خورده است. او از سرشناس‌ترین بازاریان ایرانی و معتبرترین صنعتگران و فعالان معدن کشور به‌شمار می‌آید. او اولین محموله‌ی سیمان ایران را به آن سوی مرزهای کشور صادر و سال‌ها بعد کارخانه‌های گچ و سیمان بسیاری را راه‌اندازی کرد. میر محمد صادقی به موازات چنین فعالیت‌هایی به امور خیریه پرداخت و در تأسیس صندوق‌های قرض‌الحسنه‌ی در سراسر کشور نقشی کلیدی ایفا کرد.

او به همراه برادر خود، مرحوم بهاء‌الدین میر محمد صادقی، در تأسیس

* محمود مانیان از بازاریان سرشناس قبل از انقلاب و از هواداران بازاری جبهه‌ی ملی که بعد از انقلاب، در تبعید فوت کرد.

مهم‌ترین کارخانه‌های صنعتی سیمان و گچ ایران، همچون سیمان فارس و خوزستان، سیمان صوفیان، گچ سمنان و مازندران و بسیاری از کارخانه‌های دیگر نقشی تعیین‌کننده داشته است، و بخشی از سهام بسیاری از این‌ها را پس از تأسیس در اختیار سایرین، از جمله ساکنان مناطق تأسیس کارخانه‌ها، قرار داد. او سال‌ها بعد و پس از گسترش فعالیت‌های خود در زمینه سیمان، اولین شرکت کشتیرانی خصوصی ایران را برای صادرات سیمان به کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس تأسیس کرد. کشتیرانی او همچنان به فعالیت‌های خود در حد محدود ادامه می‌دهد. همچنین، کارخانه‌های گچ رامهرمز، گچ آذربایجان، گچ خراسان، گچ بلور و گچ یزد به همراه کارخانه‌ی بوکای صنعتی و کارخانه‌ی آجر صنعتی از دیگر نهادهای تولیدی به شمار می‌آید که او به همراه برادرش پایه‌گذاری کرد.

علاءالدین میرمحمدصادقی در تجارت چای و قماش هم دستی بر آتش داشت. او در کنار بازاریان به نام بازار تهران سال‌ها به تجارت چای پرداخت و چندین نام تجاری معتبر در عرصه‌ی تولید و فروش چای ارائه کرد. او همزمان به فعالیت در زمینه‌ی نساجی نیز روی آورد و در این بازار تجارت موفق را برای دانشگاه‌های امام صادق علیه‌السلام و شهید مطهری، با همکاری مهندس علینقی خاموشی، سامان داد.

علاءالدین میرمحمدصادقی در امور خیریه هم نامی شناخته‌شده به شمار می‌آید. او در تأسیس یا تداوم کار بیش از یکصد مدرسه و موسسه‌ی فرهنگی در کشور نقشی اساسی داشته است، که شاید شاخص‌ترین آن‌ها مدارس علوی، نیکان، رفاه، سادات، ۲۲ بهمن و مدارس وابسته به جامعه‌ی تعلیمات اسلامی باشند، که هرکدام در تاریخ انقلاب اسلامی اثرگذاری بسیاری داشته‌اند. او سال‌ها نهضت مدرسه‌سازی را ادامه داد و به عنوان یکی از شاخص‌ترین مدرسه‌سازان و مدرسه‌داران ایران بارها مورد تقدیر قرار گرفت. او پس از همراهی با مرحوم شهید بهشتی به امور فرهنگی

علاقه‌ی شدیدی نشان داد و در سال ۱۳۵۲ به همراه مرحوم شهید باهنر و گروهی دیگر از بازاریان مؤسسه‌ی دفتر نشر فرهنگ اسلامی را جهت نشر کتب مفید راه‌اندازی کردند. میرمحمدصادقی قصد داشت به کمک چنین مراکزی به اشاعه‌ی دیدگاه اسلامی بپردازد و مبارزه‌ی فرهنگی با حکومت پهلوی را ادامه دهد. میرمحمدصادقی، به موازات مدرسه‌سازی، به امور قرض الحسنه‌ها نیز علاقه نشان داد و صندوق‌های قرض الحسنه‌ی جاوید و ذخیره‌ی جاوید را، به عنوان اولین صندوق‌های قرض الحسنه‌ی تهران، به همراه گروهی دیگر از دوستان بازاری خود شکل داد. او در ساخت مساجد و مؤسسات خیریه‌ی دیگر و اداره‌ی ستاد دیه هم نقشی فعال داشته است.

میرمحمدصادقی در جریان مبارزات در دسته‌ی یاران بسیار نزدیک و مورد اعتماد شهید بهشتی، شهید باهنر، شهید رجایی و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی قرار داشت. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی او در کمیته‌ی تنظیم اعتصابات حضور یافت و نقش بسیار اثرگذار در این نهاد پیدا کرد. دامنه‌ی نفوذ او در کمیته‌ی تنظیم اعتصابات به حدی بود که حتی محل دفتر کار خود در خیابان عباس‌آباد (شهید بهشتی) تهران را به ساختمان مرکزی کمیته‌ی تنظیم اعتصابات بدل کرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، او ابتدا برای راه‌اندازی بانک اسلامی ثابت قدم شد و موفق شد نظر موافق حضرت امام خمینی (ره) را برای راه‌اندازی این بانک کسب کند، ولی مخالفت‌های دولت موقت موجب شد تا ایده‌ی بانک اسلامی به فراموشی سپرده شود، و به جای آن سازمان اقتصاد اسلامی تأسیس شود. از آن زمان تاکنون میرمحمدصادقی به عنوان رئیس یا نایب رئیس هیئت مدیره‌ی سازمان اقتصاد اسلامی فعال بوده است. علاءالدین میرمحمدصادقی در تاریخ اقتصادی ایران نامی اثرگذار به شمار می‌آید. او از زمره‌ی اولین افرادی بود که از حضرت امام (ره)

برای اداره‌ی اتاق بازرگانی کشور پس از انقلاب حکم دریافت کرد. میرمحمدصادقی در دولت شهید رجایی برای پذیرش مسئولیت وزارت بازرگانی معرفی شد ولی از پذیرش این عنوان خودداری کرد و در عوض به عنوان سرپرست تیم مشاوران اقتصادی شهید رجایی به فعالیت‌های خود ادامه داد.

از آن زمان تاکنون به مدت سی سال نایب‌رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران را بر عهده گرفته است و همچنان در دسته‌ی بانفوذترین و محبوب‌ترین فعالان اقتصادی و سیاسی ایران به شمار می‌آید.

اگرچه علاءالدین میرمحمدصادقی سال‌ها سیاست‌ورزی و فعالیت اقتصادی را تجربه کرده و طی سال‌های فعالیت اقتصادی خود هزاران نفر را به کار گماشته است و یکی از شاخص‌ترین کارآفرینان کشور به شمار می‌رود، لیکن او همچنان فعالیت در امور خیریه را هدف اصلی و مورد علاقه‌ی بی‌پایان خود می‌داند.

آنچه که از خاطرات علاءالدین میرمحمدصادقی طی صفحات بعد می‌خوانید تنها برشی از فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی و نیکوکارانه‌ی این پیربازار ایران به شمار می‌رود.

از آن‌جا که این کتاب صرفاً نقل خاطرات آقای میرمحمدصادقی است، شایسته دیدیم نظرات و آرای دوستان و نزدیکان ایشان را اعم از سیاسی و فرهنگی و اقتصادی، در جایی دیگر منعکس نماییم.